

# ای خدا



پنجره را می گشایم.

نگاه می کنم ...

آسمان می درخشد

و گنجشکان روی شاخه های درخت بید، جست و خیزکنان، آمدن روزی

دیگر را خبر می دهند.

— صبح شده است!



هوا چه لطیف است!

باران تازه بند آمده است.

گل ها سیراب شده اند.

صدای چک چک قطره ها را می شنوم که با نسیم بهاری

هم آواز شده اند!



به دور دست ها می نگرم ...

چشمه ها آرام زمزمه می کنند.

جوی ها به نرمی پیچ و تاب

می خورند و دست در دست

رود، می روند تا به دریا برسند.

سکوت می کنم ...

و غنچه ها ...

غنچه ی گل های سرخ و

زرد، خنده کنان می شکفند و

صورت زیبایشان را با

قطره های ریز باران

می شویند.

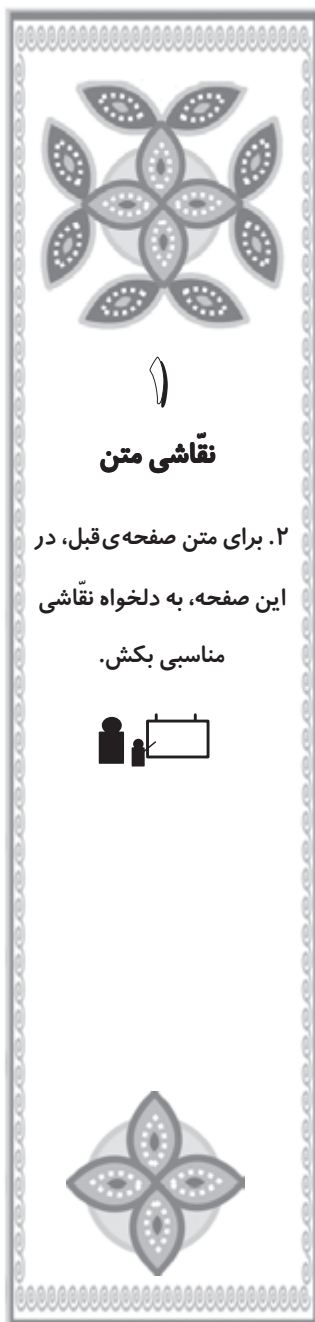
— زندگی چه قدر زیباست!

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۱. متن را بخوان.



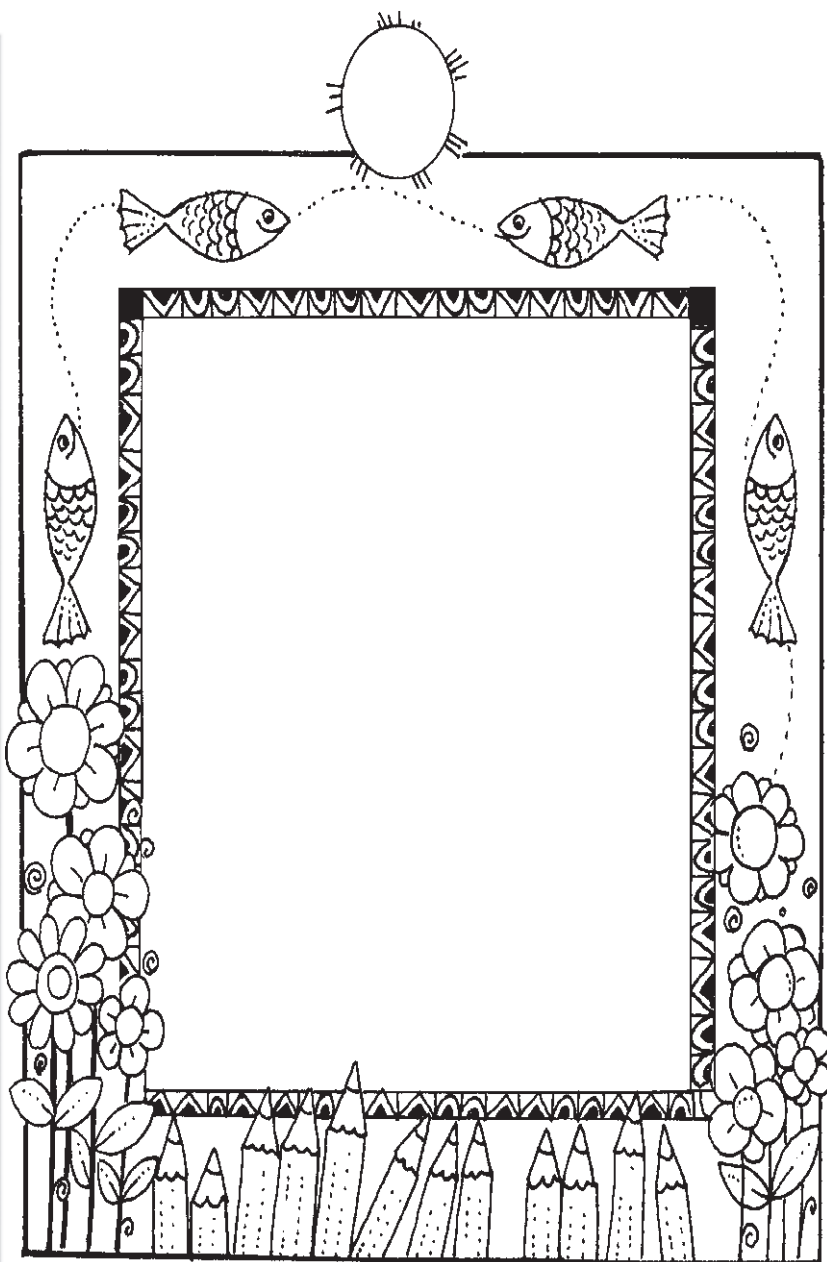


## نقاشی متن

۲. برای متن صفحه‌ی قبل، در

این صفحه، به دلخواه نقاشی

مناسبی بکش.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



● ای خدای مهربان، اگر تو نباشی ...



۲

## کامل کردن متن

۱. با توجه به معنای شعر، عبارت بالای صفحه را به دلخواه، ادامه بده و کامل کن. متن خود را در صفحه‌ی روبه‌رو بنویس.



۲. متن خود را در کلاس برای دوستانت بخوان.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



# خورشید در چاه



## دعا و تلاش

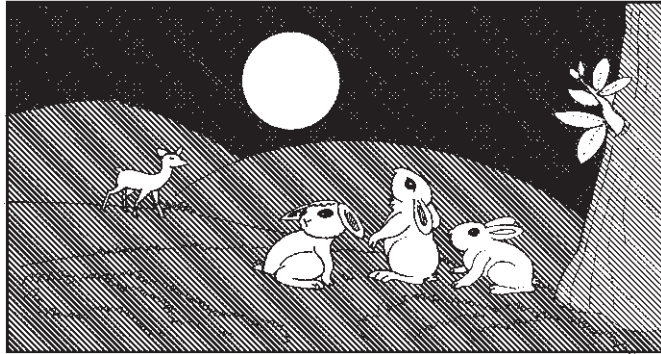
هریک از آن‌ها در چه وضعی هستند؟

۱. به تصاویر این صفحه و صفحه‌ی بعد دقت کن.

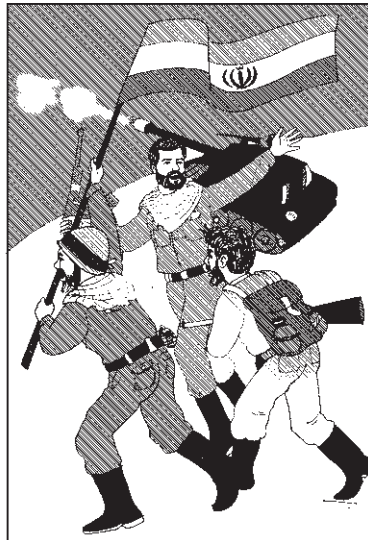


برای حلّ مشکل خود، چگونه از خداوند کمک می‌گیرند؟ از خداوند چه می‌خواهند؟ با او چه می‌گویند؟

۲. نوشته‌های زیر تصاویر را به دلخواه کامل کن.



خدایا ...



ای خدای مهربان ...

[illegible]



### داستان آیه‌ها

۱. در این صفحه، هر قطعه، ترجمه‌ی یک آیه‌ی قرآن یا قسمتی از یک آیه است. قطعه‌ها را بخوان و سعی کن داستان مربوط به هریک را به یاد بیاوری. تو داستان مربوط به این آیه‌ها را در کتاب درسی قرآن خود خوانده‌ای.



① هنگامی که آن پیامبر خدا در شکم نهنگ گرفتار شد، در آن مکان تاریک و ترسناک، خدای خود را این‌گونه صدا زد: «ای خدای مهربان، خدایی جز تو نیست. تو از هر عیب و نقصی پاک و پیراسته‌ای». (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۸۷)

② به یاد آور ماجرای زکریای پیامبر را، هنگامی که گفت: «خدایا، مرا تنها و بی‌کس رها مکن!». (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۸۹)

③ و حکایت نوح را یاد کن!

ما پیش از این، او را برای پیامبری فرستادیم و قومش راه مخالفت درپیش گرفتند. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۷۶)

④ الف) پس، دعای او را برآورده کردیم و او را از غم و اندوه و گرفتاری نجات دادیم. ما مردم با ایمان را این‌گونه نجات می‌دهیم. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۸۸)

ب) و او را در برابر آن قوم کافر به پیروزی رساندیم و همه‌ی آن‌ها را با طوفان بزرگی غرق کردیم. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۷۷)

پ) ... پس، دعای او را برآورده کردیم و به او فرزندی به نام یحیی و همسری شایسته و توانا دادیم؛ زیرا آن‌ها در انجام دادن کارهای خیر پیشرو بودند و در خوشی و ناخوشی، خدای خود را می‌خواندند و در برابر او سر فرود می‌آوردند. (سوره‌ی انبیاء - آیه‌ی ۹۰)



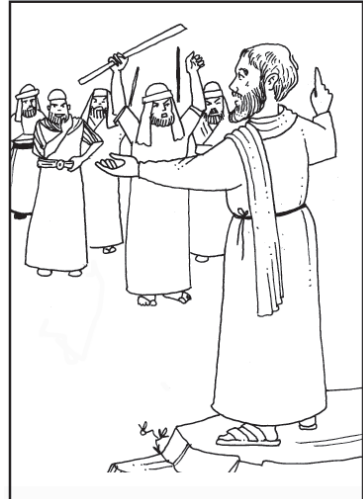


۲. اکنون قطعه ها را به صورت دو به دو به یک دیگر مربوط کن تا ببینی پیامبران چگونه از خداوند کمک خواسته اند و او آنان را چگونه یاری کرده است.



**راهنمایی:** هر متن که با شماره مشخص شده به یک متن که با حروف الفبا مشخص شده مربوط می شود.

**توصیه:** می توانی از جدول روبه رو، استفاده کنی و با یک خط، هر عدد را به یک حرف وصل کنی.



قطعه	قطعه
الف	۱
ب	۲
پ	۳

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### جست و جوی معنا

۱. به کمک یکی از دوستان، معنای سوره‌ی حمد را در قرآن پیدا کن و در کادر روبه‌رو بنویس.



۲. همراه با دوستت، معنای سوره‌ی حمد را با دقت بخوان.







برای خداوند چه صفاتی

می شناسی؟

۳. اکنون با توجه به معنای

سوره‌ی حمد، جدول را با

همکاری دوستت کامل کن.



صفات خداوند در سوره‌ی حمد

خداوند بخشنده است.

.....

.....

.....

.....

.....

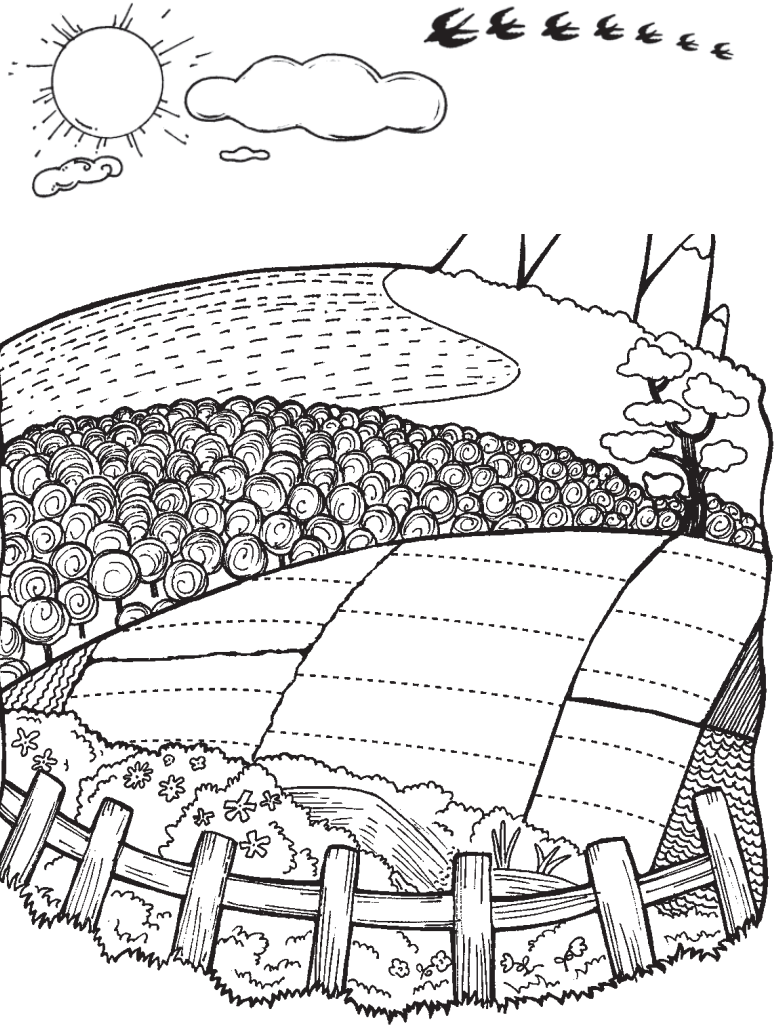
.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### نوشتن متن

یک متن در ستایش خداوند  
یا گفت و گو با او بنویس.  
اگر دوست داری، در متن  
خود از کلمه‌های زیر هم  
استفاده کن.  
مهربان، آفریننده، دوست،  
آرزو، بخشنده، صمیمی،  
روشنایی، زیبایی، ...



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## من بنده‌ی خداوندم!



### دقت در متن

درباره‌ی حضرت عیسی

— علیه السلام — و مادر بزرگوار او

چه می‌دانی؟

۱. برای پاسخ دادن به سؤال،

به متن درس دقت کن و

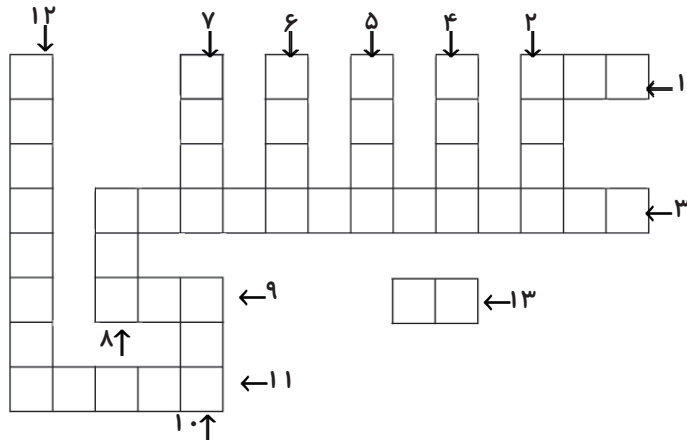
سپیس، جدول را کامل کن.



۲. جدول کامل شده‌ی خود

را با جدول دوستت مقایسه

کن.



۱. میوه‌ها و غذاها از طرف او برای مریم فرستاده می‌شد.

۲. نام پیامبری که حضرت عیسی، آمدن او را مژده داده بود.

۳. حضرت عیسی، خود را این گونه به مردم معرفی کرد.

۴. نام پیامبر قبل از حضرت عیسی

۵. حضرت عیسی، نیکی به او را سفارش کرده است.

۶. مؤمن نیست.

۷. حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و

حضرت محمد (ص) از پیامبران ..... الهی بودند.

۸. دستور الهی (به دستور الهی حضرت عیسی (ع) در گهواره سخن گفت و خود را

بنده‌ی خدا معرفی کرد).

۹. به جا آوردن واجبات دین مانند نماز و زکات

۱۰. نیایش

۱۱. شفای بیماران توسط حضرت عیسی (ع) و بهبود آن‌ها

۱۲. حضرت عیسی (ع) همراه او دوباره خواهد آمد تا جهان را از عدل و داد پر کند و

انسان‌ها را از نادانی و ستمگری برهاند.

۱۳. همه‌ی کارها به دست اوست.

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

## ما بت پرست بودیم ...



۱  
برداشت از متن

۱. با توجه به متن درس، پاسخ بده.

پس از پیامبر خدا، چه تغییری در  
رفتار مردم ایجاد شد؟  
برای پاسخ دادن به سؤال،  
جدول را کامل کن.



۲. جدول کامل شده‌ی خود را با جدول دوستت مقایسه کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### تصویرسازی برای شعر

۱. تصویر مناسبی برای شعر  
بکش و آن را رنگ آمیزی  
کن.



۲. زیباترین قسمت شعر  
درس را با خطّ خوش در جای  
مناسب بنویس.

اگر دوست داری، می توانی  
به جای شعر کتاب، شعر  
زیبای دیگری را پیدا کنی و

بنویسی.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



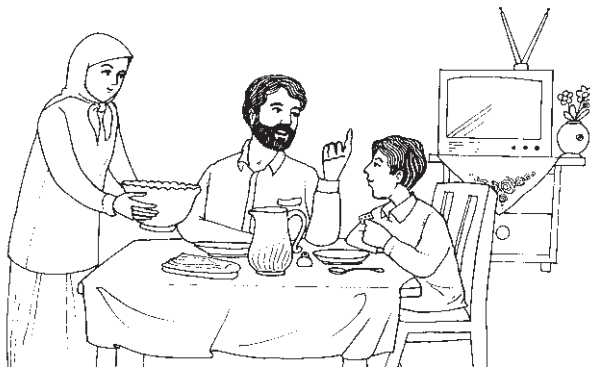
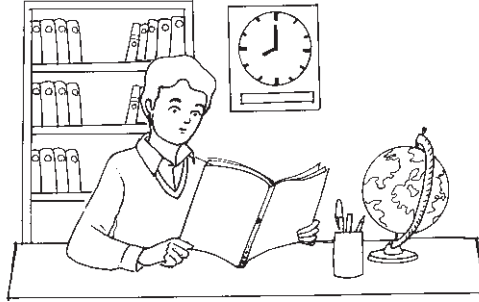


## صبح روز بعد ...



### برنامه ریزی

۱. فکر کن و سپس برنامه ریزی کن.  
برای یک روز خود چه برنامه ای داری؟  
برای انجام دادن یک فعالیت (مثل  
گرددش و تفریح یا درس خواندن)  
چه برنامه ای داری؟





**توضیح:** سؤال‌های زیر برای برنامه‌ریزی، به تو کمک می‌کنند. چرا می‌خواهیم این کار را انجام دهیم؟ چگونه این کار را انجام دهیم؟ به کمک چه کسانی...؟ با استفاده از چه وسایلی...؟ برنامه‌ات را در کادر بنویس.



IV



## گزارش

### برنامه‌ی روزانه‌ی خانواده‌ی کریمی

ساعت ۶ زنگ ساعت به صدا درمی آید.  
حامد بیدار شده است و آرام بلند می‌شود.



ساعت ۶/۱۵ حامد دست و صورت خود را  
شسته، وضو گرفته و درحال نماز خواندن  
است. اکنون خواهرش نیز مشغول نماز  
است.



### خواندن متن و پاسخ دادن به سؤال‌ها

۱. این متن‌ها را یک  
دانش آموز کلاس پنجم  
نوشته است که درباره‌ی  
برنامه‌ی روزانه‌ی یک  
خانواده‌ی مسلمان است.  
متن‌ها را با دقت بخوان.





■ ساعت ۶/۳۰ حامد و خواهرش در حرکت اند؛ آن‌ها همراه پدر و مادر، چند دور به دور حیاط کوچک خانه‌شان می‌دوند و سپس نرمش می‌کنند. حالا آن‌ها از قبل سرحال‌ترند.



■ ساعت ۶/۴۵ همه خندان و سرحال مشغول خوردن صبحانه‌اند. مادر قبلاً صبحانه را آماده کرده است.



■ ساعت ۷/۱۰ خانواده‌ی کریمی همگی از خانه بیرون می‌روند. حامد و حمیده به مدرسه می‌روند. مادر، نیز به مدرسه‌ی خود می‌رود. مادر، معلم است. پدر نیز به کارخانه می‌رود.



مائده رحیمیان - کلاس پنجم - مدرسه‌ی ارشاد

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



۲. برنامه‌ی خانواده‌ی کریمی را با برنامه‌ی روزانه‌ی خودت مقایسه کن.



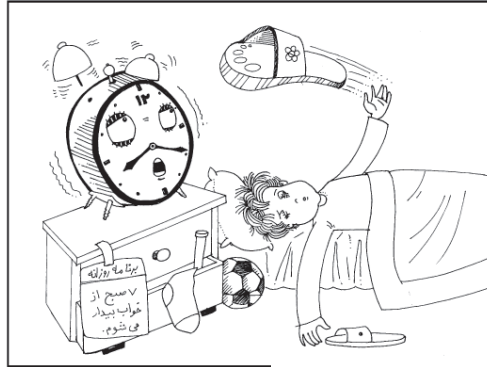


### تصویر خوانی

۱. همراه با دوستانت به  
تصویرها نگاه کن.  
جاجول را که می شناسی!  
او کمی بزرگ تر شده است و  
می کوشد برای خودش  
برنامه ریزی کند اما ...

آیا موفق است؟

آیا ناموفق است؟







جاجول عزیز، من اگر به جای تو بودم ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

جاجول عزیز، تو می توانستی ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### قضاوت و توصیه کردن

۱. درباره‌ی رفتار جاجول با  
دوستان گفت و گو کن.



۲. اکنون با کمک دوستان به

جاجول کمک کن تا به نقاط

قوت و ضعف برنامه و

کارهایش پی ببرد.

توصیه‌های خود را برای

جاجول بنویس.





## دوست خوبم محمد، سلام!

مدتی است که برای انجام دادن یک کار تحقیقی، مشغول تهیه فهرستی از ویژگی‌های پیامبران خدا هستم. من تاکنون موفق شده‌ام تعدادی از این ویژگی‌ها را بیابم. برای این کار، من مثل یک خبرنگار به سراغ بزرگ‌ترها رفتم و این ویژگی‌ها را از زبان آن‌ها شنیدم. آنگاه آن‌ها را در کاغذی نوشتم تا دوباره‌ی تعدادی از آن‌ها، متن کوتاهی بنویسم. اکنون فهرست خود را برای تومی فرستم و از تو نیز می‌خواهم چندتایی به آن اضافه کنی. می‌توانی مثل من از بزرگ‌ترها پرسی یا ...)

ضمناً برای سرگرمی، حروف برخی از کلمه‌ها را از هم جدا نوشته‌ام تا تو آن‌ها را پیدا کنی!



### بازی با کلمات

۱. نوشته‌ی حسن مهدوی را بخوان.



۲. کلمه‌های مورد نظر حسن را پیدا کن و بنویس.





- ( ر ا ت ف گ س ا ر ت ) کسی که با صداقت با مردم سخن می‌گوید. ....

- ( د ا ر م ا ت ن ا ) کسی که در نگهداری مال مردم دقت می‌کند و اموالشان را به آن‌ها باز می‌گرداند. ....

- ( ب و ر ص ) شکلیا و بردبار. ....

- ( خ خ ش ل و ق ) کسی که با مردم خوب رفتار می‌کند. ....

- ( د ل م ر س د و ز م ) کسی که با دیگر انسان‌ها مهربان است. ....

حسن مهدوی، کلاس پنجم، از مدرسه ی آفتاب



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



### جست و جو و تحقیق

۱. به داستان‌ها یا کتاب‌های

تاریخی مراجعه کن.



درباره ی پیامبران خدا چه می‌دانی؟

از زندگی پیامبر اسلام چه

داستان‌هایی شنیده‌ای؟

۲. خلاصه ی یکی از داستان‌های

جذابی را که خوانده‌ای، در

پشت این صفحه بنویس.



۳. داستان‌ت را در کلاس بخوان.



# این کتاب ...

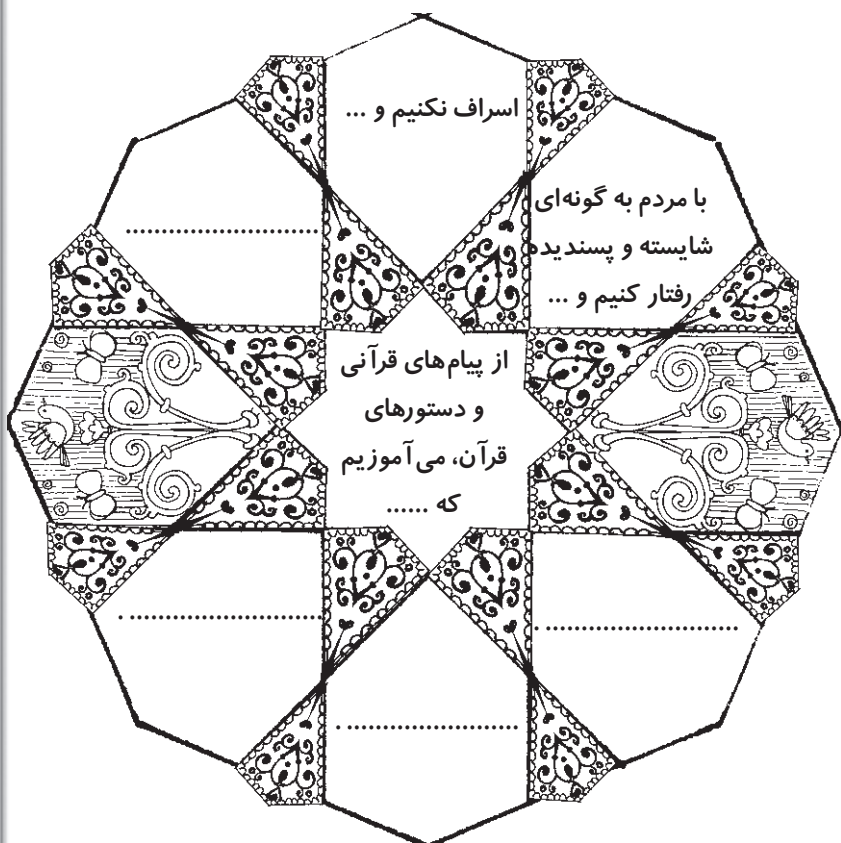


## کامل کردن نمودار

به کمک یکی از دوستان،  
نمودار را کامل کن.



توصیه: به پیام‌های قرآنی  
کتاب‌های درسی‌ات توجه کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## برگزاری نمایشگاه

اگر تو و دوستانت بخواهید نمایشگاهی  
از آثار هنری و کارهای دستی خود  
ترتیب دهید، چه کارهایی می کنید؟



**توصیه:** مسلماً ابتدا باید آثار  
هنری مناسب برای نمایشگاه  
تهیه کنید؛ برای مثال، هریک  
از بچه ها می تواند یک تابلوی  
زیبا بکشد یا ...

سپس، باید فضایی مناسب  
(کلاس، راهرو یا ...) را به  
کمک معلم انتخاب کنید تا  
در نهایت، آثار خود را در  
آن جا قرار دهید و به نمایش  
بگذارید.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....





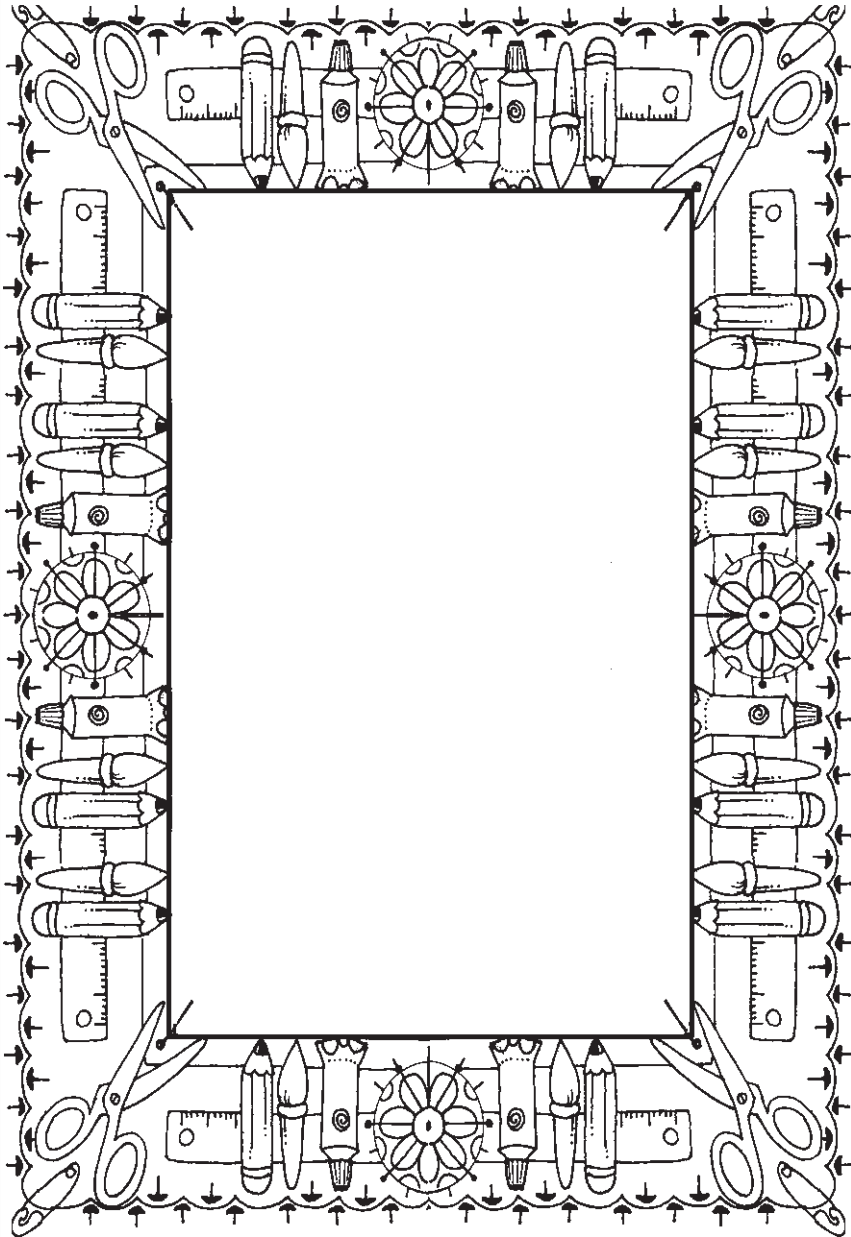
۱. به قرآن مراجعه کن و یک  
پیام قرآنی زیبا پیدا کن.



۲. پیام قرآنی را با خط زیبا  
در قاب روبه رو بنویس.



۳. با همکاری دوستانت،  
نمایشگاه را برگزار کن.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....

# برادرم، بازگرد!

.....  
علی - علیه السلام - می گوید:

«به دستور پیامبر خدا، «مهمانان را دعوت کردم و با غذای مطبوعی از همه پذیرایی کردم. پس از آن، پیامبر خدا لب به سخن گشود: ای فرزندان عبدالمطلب، خداوند مرا فرمان داده است که شما را به سوی او دعوت کنم. کدام یک از شما مرا در این کار یاری می کند تا برادر و جانشین من باشد؟» همه ساکت ماندند ولی من که از همه خردسال تر بودم، گفتم: «ای رسول خدا، من پشتیبان تو خواهم بود».



این ماجرا دوبار اتفاق افتاد و هر بار پیامبر به من فرمود: «بنشین!»  
بار سوم، پیامبر خدا دست بر شانه هایم گذاشت و فرمود: «این، برادر و جانشین من است، مطیع او باشید!»



## داستان خوانی و گفت و گو

۱. یک گروه چهارنفره تشکیل دهید. هریک از شما یکی از داستان های صفحه های ۲۷ تا ۲۹ را بخواند و به موضوع آن ها فکر کند.

داستان ها درباره ی چیست؟

نشان دهنده ی چیست؟



ویژگی های جانشین شایسته ی

پیامبر خدا کدام اند؟

۲. برای پاسخ دادن به این سؤال، با دوستان گفت و گو کن.





۳. با همکاری دوستانت برای  
همه‌ی داستان‌ها، نام‌های  
مناسبی انتخاب کن.



پیامبر خدا فرمود: «ای علی، لباس سبزرنگ مرا بپوش و در بستر من

بخواب.»

آن‌گاه برای هجرت به مدینه رهسپار بیابان شد تا از شرّ کافران در امان  
باشد. آن شب علی – علیه‌السلام – در بستر پیامبر خوابید تا دشمنان از  
رفتن او باخبر نشوند.

کافران با یک‌دیگر هم‌پیمان شده بودند که به خانه‌ی پیامبر هجوم ببرند  
و او را در خواب بکشند. آن‌ها مدّتی انتظار کشیدند و نیمه‌های شب، با  
شمشیرهای برهنه به خانه‌ی پیامبر حمله‌ور شدند اما در بستر، به جای  
او، پسر عمویش، علی، را یافتند. پس، با عصبانیت فریاد کشیدند: «رفیقت  
کیجاست؟»

علی(ع) گفت: «نمی‌دانم؛ مگر نگهبان او بوده‌ام؟ شما خواستید او برود؛  
او نیز رفت.»

کافران خشمگین، علی – علیه‌السلام – را مدّتی آزار دادند و سرانجام،  
رهایش کردند.

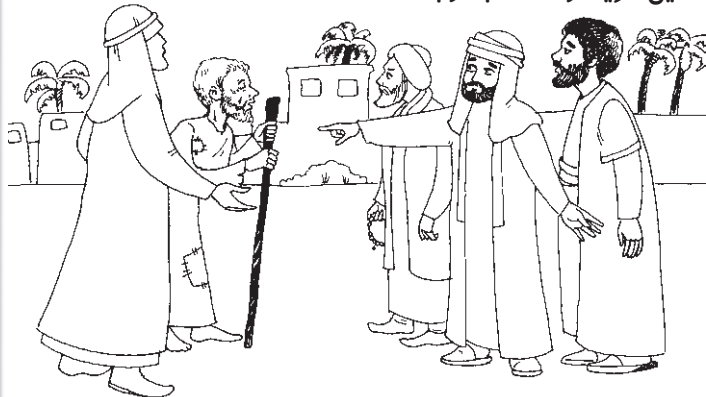
این‌گونه بود که خداوند بزرگ، با این عمل شجاعانه‌ی علی – علیه‌السلام –  
پیامبر خویش را از شرّ دشمنانش حفظ کرد.

.....

پیرمرد مسیحی عمری کار کرده و زحمت کشیده بود اما ذخیره‌ای نداشت؛ نابینا هم شده بود. پیری و نابینایی او را ناتوان ساخته بود و چاره‌ای جز گدایی نداشت. مردم به او صدقه می‌دادند و او زندگی سختی را می‌گذراند. روزی امیرالمؤمنین، علی (ع)، پیرمرد را دید. از وضعیت او پرس‌وجو کرد تا علت بدبختی‌اش را بداند: آیا فرزندی ندارد تا از او نگهداری کند؟ آیا راهی وجود ندارد تا او در این سن و سال آبرومندانه زندگی کند و مجبور به گدایی نباشد؟

کسانی که پیرمرد مسیحی را می‌شناختند، آمدند و شهادت دادند که او در جوانی کار و تلاش می‌کرده و اکنون که نیروی جوانی خود را از دست داده و نابینا شده است، نمی‌تواند کار کند.

علی - علیه السلام - فرمود: «عجب! تا وقتی توانایی داشت، از او کار کشیده‌اید و اکنون او را به حال خود واگذاشته‌اید؟ ... سوابق این مرد حکایت می‌کند که تا زمانی که توانایی داشته، کار و خدمت می‌کرده است؛ بنابراین، بر عهده‌ی حکومت و اجتماع است که در سال‌های باقی‌مانده‌ی عمرش، او را سرپرستی کند.» آن‌گاه از بیت‌المال مسلمانان برای او کمک هزینه‌ای تعیین کرد و دستور داد این هزینه را ماهانه به او بدهند.



..... یادداشت آموزگار مهربان برای من:

# میراث پیامبر



آن روز محمد از نگاهش  
بر چهره‌ی دشت نور پاشید  
از پشت تمام تیرگی‌ها  
خورشید به روی دشت خندید

از دعوت آسمانی او  
آرام، علی ز جای برخاست  
او گفت پس از غروب خورشید  
این رود زلال، حکم فرماست

یک دفعه، تمام دشت پر شد  
از عطر صمیمی خداوند  
بر شاخه‌ی صبح تاب خوردند  
گل‌های ظریف و سرخ لبخند

آهسته به روی دشت بارید  
لبخند فرشتگان زیبا  
هم دشت غدیر پر شد از شوق  
هم کوچه‌ی قلب آسمان‌ها

امروز که باز روز عید است  
هرچند علی میان ما نیست  
این رود زلال و صاف و شفاف  
در سینه‌ی آفتاب جاری است

□ شعر از رودابه حمزه‌ای

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## سرود خوانی

در کلاس یا مدرسه ... همراه با  
دوستان به برگزاری یک  
جشن باشکوه فکر کنید.

جشن شما کی، کجا و چگونه

برگزار می‌شود؟

هر کس چه مسئولیت‌هایی دارد و چه

کارهایی انجام می‌دهد؟

وظایف چگونه تقسیم شده است؟

بخشی از برنامه‌ی شما، می‌تواند

خواندن یک سرود زیبا باشد.

با همکاری دوستان، شعر این

صفحه را به صورت یک سرود زیبا

آماده کنید و در جشن بخوانید.





## تهیه گزارش

عید غدیر در شهر یا محله‌ی شما

چگونه برگزار می‌شود؟

۱. پیرس و تحقیق کن.



۲. یک گزارش کوتاه از مراسم

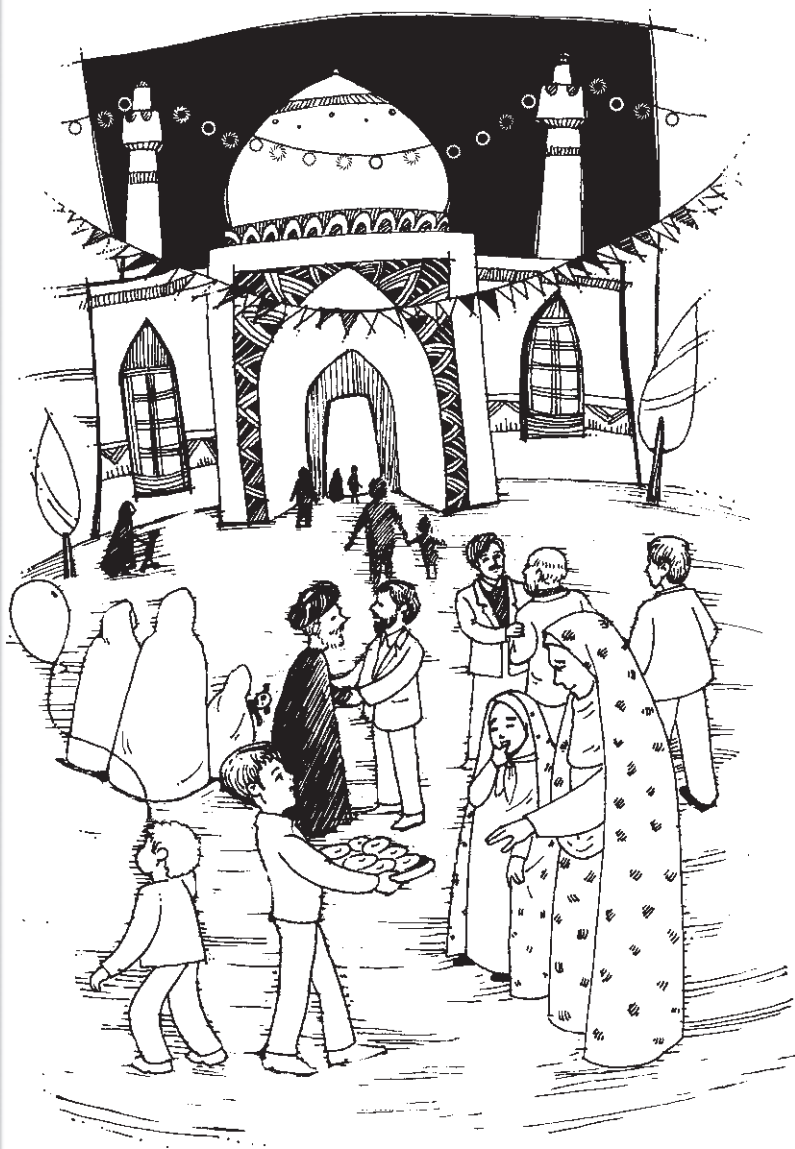
عید غدیر در شهر خودت تهیه

کن و آن را در صفحه‌ی روبه‌رو

بنویس.



۳. گزارشت را در کلاس بخوان.



یادداشت آموزگار مهربان برای من:





# اسراف ... چه چیزی؟ چگونه؟ چرا؟



## قضایات

۱. به تصاویر نگاه کن.
۲. فکر کن.
۳. نتیجه‌ی اسراف کاری چیست؟

۴. با دوستان در این باره

گفت‌وگو کن.



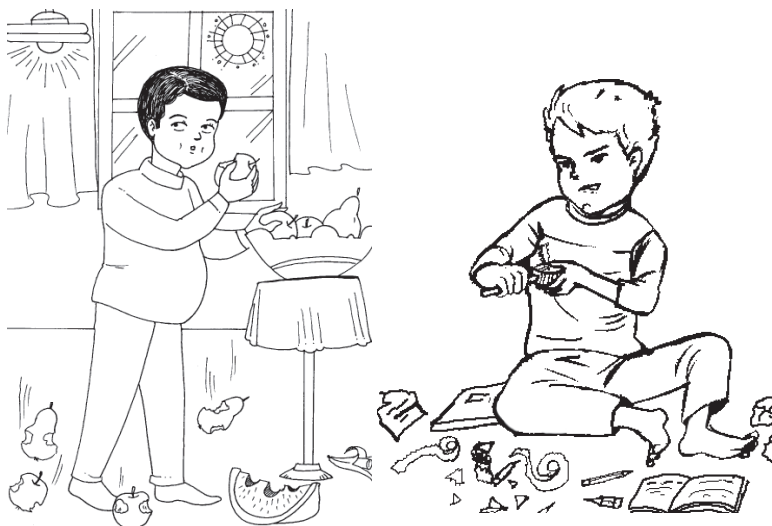
چه باید کرد؟

۵. پیشنهادهایی بده.



**توصیه:** پیشنهادها را در

صفحه‌ی روبه‌رو بنویس.



یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....



## ساختن کار دستی با دور ریختنی‌ها

آیا تا به حال سعی کرده‌ای با  
چیزهای دور ریختنی، یک کار دستی

درست کنی؟



۱. خوب فکر کن.

۲. با بزرگ‌تره‌های مشورت

کن.



۳. برای استفاده از وسایل

دور ریختنی در کار دستی،

طرحی را در نظر بگیر.





۴. از بزرگ تره‌ایت درباره‌ی  
طرح خود نظر خواهی کن.



۵. کار دستی را بساز و با خود  
به کلاس ببر.



۶. از دوستان‌ت بخواه نظر خود  
را درباره‌ی کاردستی تو در این  
صفحه بنویسند.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت آموزگار مهربان برای من: .....